



تحول در حوزه

و مسائل مربوط به آن



بنا به دگردیسی‌های اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، حوزه‌های علمیه نیز بایستی پاسخ‌گوی تحولات جامعه با مؤلفه‌های روزآمد، نوپیدا و مستحدثه باشند، که رسالت مهم با شیوه‌های سنتی و قدیمی قطع به یقین امکان‌پذیر نخواهد بود. «مجله حوزه» در این شماره بنا به اهمیت تحول‌آفرینی، تحول‌پذیری و رسالت حوزه‌ها و حوزویان، بخشی از راهکارها و چشم‌انداز آینده حوزه که مقام معظم رهبری، در دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ارائه نموده‌اند، فرادید شما می‌گذارد.

۱. تحول در محتوا

مسئله مهم دیگری که مطرح است و در آن باب باید سخن روشن به میان بیاید، مسئله «تحول در حوزه» هاست. چند سال است که مسئله تحول در حوزه‌های علمیه، به خصوص در حوزه مبارکه علمیه قم مطرح است. این تحول یعنی چه؟ حوزه می‌خواهد چه کار کند که اسمش تحول باشد؟ که بعضی از آن‌ها را اشاره می‌کنیم:

الف) تحول در شیوه اجتهاد؛ انحراف در تحول
اگر تحول را به معنای تغییر خطوط اصلی حوزه‌ها بدانیم - مثل تغییر متد اجتهاد - قطعاً این یک انحراف است. تحول است، اما تحول به سمت سقوط.

• روش صحیح اجتهاد شیعی و ویژگی‌های برتری این روش

شیوه اجتهادی که امروز در حوزه‌های علمیه رایج است و علمای دین به آن متکی هستند، یکی از قوی‌ترین و منطقی‌ترین شیوه‌های اجتهاد است؛ اجتهاد متکی به یقین و علم، با اتکای به وحی؛ یعنی از ظن به دور است و استنباط ما استنباط علمی و یقینی است. این ظنون خاصه‌ای هم که وجود دارد، همه این‌ها حجیتش باید یقینی و قطعی باشد. حتی اعتبار اصول علمیه‌ای که ما در فقه از آن استفاده می‌کنیم، باید اعتبار جزمی و قطعی باشد. تا وقتی که از دلیل قطعی به معتبربودن این اصل عملی - استصحاب یا برائت یا اشتغال، هر کدام در مجاری خودشان -

جزم پیدا نکنیم، نمی‌توانیم از این اصل استفاده کنیم. بنابراین یا بی‌واسطه یا به واسطه، همه شیوه‌های استنباط ما قطع و یقین در فقه منتهی می‌شود.

ب) جایگاه ظنون غیر معتبر در این روش
اجتهاد در شیعه به معنای تکیه به ظنون غیر معتبر نیست؛ همین که قدمای ما اصطلاح اجتهاد به رأی، اجتهاد متکی به ظنون غیر معتبر، مثل قیاس، استحسان و امثال این‌ها را به کار بردند و کتاب‌ها نوشتند؛ «الردّ علی اصحاب الاجتهاد فی احکام». اسماعیل بن ابوسهل نوبختی، سید مرتضی در «ذریعه»، شیخ رد «عدة الاصول» و دیگران این اجتهاد متکی به ظنون غیرمعتبر را رد کردند. این اجتهاد مردند است. امروز هم تحت هر نامی کسانی به این جور اجتهادها روی بیاورند، مردود است.

ج) عدم دخالت عرف بین الملل در استنباط احکام شرعی

این که حالا دنیا این را از ما نمی‌پسندد، این حرف فقهی در دنیا خریدار ندارد، یا این را صریحاً بگویند یا نگویند، اما در دل‌شان این باشد و این‌ها را به یک استنباط غلطی بکشاند. این مردود است. متأسفانه در مواردی در گوشه و کنار دیده شده که برای این که عرف دنیای متمدن - که عمدتاً مادی است - رعایت شود، در استنباط احکام شرعی دخل و تصرف شده است! حتی بدتر از این، برای این که گاهی

دل قدرت‌های مادی به دست بیاید - نه حالا عرف دنیای مادی رایج، بلکه عرف قدرت‌های مادی و استکباری رعایت شود - فتوا داده شده: تلاش صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی به دلیل این که موجب سوء ظن قدرت‌های بزرگ است، ممنوع است! خوب، غلط کردند سوء ظن دارند. (نتیجه به کارگیری شیوه اجتهاد صحیح شیعی)

اگر اجتهاد با همان شیوه درست و صحیح خود که تکیه به کتاب و سنت است و با آن متد معقول صحیح منطقی حساب شده پخته انجام بگیرد، بسیار خوب است. اجتهادها و لو نتایج مختلفی هم داشته باشد، موجب بالندگی است، موجب پیشرفت است. مجتهدین ما، فقهای ما در طول تاریخ فقاقت ما در مسائل گوناگون نظرات مختلفی ایراد کردند. شاگرد بر علیه نظر استاد، باز شاگرد او بر علیه نظر او حرف‌هایی زده‌اند، مطالبی گفته‌اند؛ هیچ اشکالی ندارد؛ این موجب بالندگی و پیشرفت است. این اجتهاد باید در حوزه تقویت شود.

(و) ضرورت توجه و پرداختن به امر اجتهاد در غیر فقه

اجتهاد مخصوص فقه هم نیست؛ در علوم عقلی، در فلسفه، در کلام، اجتهاد کسانی که فنان این فنون هستند، امر لازمی است. اگر این اجتهاد نباشد، آب راکد خواهیم شد.

امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی، فقهی و کلامی در دنیا غایب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟ نباید غایب و منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نولازم است، پاسخ به نیازهای نو به نولازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می‌شود؛ باید شما برایش جواب فراهم کنید.

جواب شما باید ناظر باشد به این نیاز و نیز ناظر باشد به پاسخ‌هایی که مکاتب و فرقه‌های گوناگون می‌دهند. اگر از جواب‌های آن‌ها غافل باشید، پاسخ شما نمی‌تواند کار خودش را انجام دهد. باید پاسخ قوی، منطقی و قانع کننده به وسط بیاورید. باید پاسخ‌ها در دنیا مطرح شود. دائم بایستی صادرات قم - همان طور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام - پمپاژ بشود. امروز خوشبختانه وسائل ارتباطی سریع در اختیار همه هست. شما می‌توانید این جا اقدامی بکنید. در آن طرف دنیا در همان ساعت از شما بشنوند و استفاده کنند.

● ۲. حرکت نو به نوبه نوی محتوایی؛ معنای اساسی تحول

در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. نظام تعلیم و تربیت،

مفاهیم اخلاقی و معنوی و ... همه این‌ها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان به حذف دین از صحنه‌ی زندگی بشر کمک کرده‌ایم؛ به دست خودمان به انزوای روحانیت کمک کرده‌ایم. این، معنای تحول است. این حرکت نو به نوبه نوی اجتهادی، اساس تحول است.

● ۳. تحول در شیوه‌ها

حالا در زمینه‌های دیگر هم من عرض خواهیم کرد، آن چیزی که تحول هست. آن چیزی که تحول نیست؛ یا به تعبیر بهتر، آن تحولی که صحیح است، آن تحولی که غلط می‌باشد. عرض من همیشه این بوده و هست - قبلاً هم در جلسات متعدد با فضیله‌ی حوزه این را مطرح کرده‌ایم - که تحول و دگرگونی یک امر قهری است؛ پیش می‌آید؛ منتها این تحول و تغییر را یا مدیریت می‌کنیم، آن را هدایت می‌کنیم، یا نه، رها می‌کنیم (اگر رها کنیم) باخته‌ایم. بزرگان حوزه، مراجع تقلید، اندیشمندان، دانشمندان و فضلا باید دامن‌ها را به کمر بزنند، همت کنند. این تحول را برنامه‌ریزی کنند، هدایت کنند، مدیریت کنند. بنابراین معنای اساسی تحول این است حرکت نو به نوبه نوی محتوایی.

(الف) جایگزینی شیوه‌های رایج دانشگاهی؛ انحراف در تحول

ممکن است یک معنای غلطی از تحول اراده بشود و فهم بشود، که حتماً باید از آن پرهیز کرد. تحول به معنای رها کردن شیوه‌های سنتی بسیار کارآمد حوزه در تعلیم و تعلم و تبدیل این شیوه‌ها به شیوه‌های رایج دانشگاهی امروز نیست؛ این چنین تحول و تغییر و دگرگونی‌ای غلط، اندر غلط است؛ این عقب‌گرد است. امروز شیوه‌های گوناگونی سنتی قدیمی ما دارد در دنیا شناخته می‌شود؛ بعضی یا از روی تقلید یا از روی ابتکار دارند همین شیوه‌ها را رایج می‌کنند. ما شیوه‌های دانشگاهی خودمان را که برگرفته و نسخه‌نویسی شده از شیوه‌های قدیمی غربی است، بیاوریم در حوزه حاکم کنیم؛ نه، ما این را تحول نمی‌دانیم. اگر چنین دگرگونی‌ای رخ بدهد، قطعاً ارتجاع و عقب‌گرد است؛ این را قبول نداریم.

(ب) محسنات شیوه‌های سنتی در حوزه

۱. انتخاب آزادانه استاد

ما در حوزه علمیه شیوه‌های بسیار خوبی رایج داریم، شیوه انتخاب آزادانه استاد به وسیله طلبه، از قدیم معمول بوده؛ طلبه وارد حوزه که می‌شد و می‌شود، می‌گردد استاد مورد قبول و مورد علاقه خودش را پیدا می‌کند، به درس او می‌رود.

۲. اندیشه‌گرایی به جای حفظ‌محوری

اساس کار طلبگی، فکرکردن و دقت

و مطالعه کردن است، نه حفظ کردن. حفظ محوری، همان چیزی است که امروز برای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدت هاست که داریم با آن مقابله و مبارزه می کنیم و هنوز هم رو به راه نشده است و باید رو به راه شود. در حوزه، اساس سنتی ما بر پایه فکر کردن است.

۳. پیش مطالعه دروس

طلبه درس را که می خواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه می کند، ذهنش را آماده می کند تا از استاد حرف نو بشنود.

۴. مباحثه دروس

بعد از درس، آن درس را با یک ضمیمی، رفیقی مباحثه می کند؛ یک بار به او درس می گوید، یک بار او به انسان درس می گوید؛ لذا در ذهن جایگزین می شود.

۵. تقریر درس استاد

در بعضی از حوزه ها مثل نجف، تقریر درس استاد معمول بود - در قم کمتر وجود داشت یا نداشت و خیلی بندرت بود - طلبه فاضلی بعد از درس استاد می نشست، همان درسی را که استاد گفته بود، برای بعضی از طلابی که احتیاج داشتند، دوباره می گفت. ببینید این کار چقدر در عمق بخشیدن به علم و سواد و معلومات محصل و طالب علم تأثیر می گذارد. این سنت ها را نباید از دست داد؛ این ها حیفاست.

۶. احترام و تواضع شاگرد در برابر استاد

احترام به استاد هم یک مسئله است.

یکی از سنت های رایج حوزه های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظایفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ هم چنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. این که استاد بیاید بگوید و برود، نه، حرف شاگرد را می شنیدند، گوش می کردند. این ها از قدیم معمول بوده است.

در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الآن هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه استاد او را همراهی می کرد؛ بحث می کرد، صحبت می کرد، سؤال می کرد. گعده علمی؛ نشست تحقیقی و سؤال و جواب برگزار می کردند؛ این ها سنت های خوب حوزه ماست. دیگران می خواهند این ها را از ما یاد بگیرند، ما بیاییم این ها را تبدیل کنیم به روش های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت ها باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر این ها نیست.

۴. ملزومات تحول مثبت در حوزه

الف) هم سوایی فعالیت های علمی با نیازهای روز

یکی از چیزهایی که در تحول مثبت حتماً لازم است، این که ما خودمان را و تلاش و فعالیت علمی خودمان را با نیازهای منطبق کنیم. یک چیزهایی هست که مردم ما به آن ها احتیاج دارند، پاسخش را از ما می خواهند، ما باید آن ها را فراهم

کنیم. یک چیزهایی هم هست که مردم احتیاجی به آن ها ندارند؛ زیاد کار شده، زیاد تلاش شده؛ خودمان را سرگرم آن ها نکنیم. این ها خیلی مسائل اساسی و مهمی است. ما از دانشگاه ها می خواهیم که فعالیت خودشان را با نیازهای جامعه تطبیق دهند. با دانشگاه، با اساتید، با دانشجویها که مواجهه می شویم، این را مکرر از این ها می خواهیم؛ می گوئیم رشته های علمی تان را بر نیازهای جامعه منطبق کنید، ببینید چه لازم داریم. این در مورد حوزه ها به طریق اولی صادق است. ب) هماهنگی تحول با نظام رفتاری و اخلاقی حوزه

مسئله بعدی، نظام رفتاری و اخلاقی حوزه هاست؛ که همین تحول - اگر تحولی انجام می گیرد - باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من این جا یادداشت کرده ام.

۱. تکریم اساتید

تکریم اساتید، نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه ها باید در این جهت حرکت کند؛ تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، به خصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی رسد؛ صلاحیت های زیادی لازم است. غالباً مراجع قله های علمی حوزه های علمیه محسوب می شوند. بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند.

۲. توجه به تهذیب و معنویت

مسئله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله ی تهذیب نیازمند می باشد. کسانی که رشته های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می کنند و کار می کنند، این را تأیید می کنند. امروز در همه دنیا این جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان ها را بی حوصله و افسرده می کند. در یک چنین وضعی، دست گیر جوان ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این که می بینید عرفان های کاذب رشد پیدا می کند و یک عده ای طرفشان می روند، همین است؛ نیاز هست.

جوان ما در حوزه علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند، تهذیب است. ما قله های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی، مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله های تهذیب در حوزه بودند. رفتار این ها، شناخت زندگی این ها، حرف های این ها، خودش یکی از شفاف بخش ترین چیزهایی است که می تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنایی بدهد، دل ها را نورانی کند. در نجف بزرگانی بودند؛ سلسله شاگردان مرحوم آخوند

حسینقلی تا مرحوم آقای سیدمرتضی کشمیری (رضوان الله تعالی علیه) یکی از اساتید مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی است؛ اما نحله فکری این‌ها بکلی از هم متفاوت است.

ایشان از داشتن یک کتابی به شدت منع می‌کند، ایشان به آن کتاب عشق می‌ورزد؛ منافاتی ندارد. همین بزرگانی که در مشهد بودند، مردمانی بودند که ما این‌ها را به تقوا و طهارت و پاکیزگی شناختیم؛ مرحوم حاج میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ مجتبی و امثال ایشان؛ این‌ها هم همین‌طورند. عمده این است که این دل زنگار گرفته را یک زبان معنوی، یک سخن برخاسته از دل شفا ببخشد و این زنگار را برطرف کنند. بنابراین ما این‌جا بحث عرفان‌های نظری را نداریم.

● ۳. ضرورت حاکمیت گرایش‌های انقلابی در نظام رفتاری حوزه

یک مسئله دیگر رد زمینه نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی و کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت و جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظریات امام (ره) را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند! مسئله این نیست که فلان زیدی

با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید رد جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند.

در حوزه علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه این جور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم این جور است. می‌دانند که شما روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودنان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.

● ۵. تذکرات قابل توجه در مورد طلاب انقلابی

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوان‌های پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده کشور شماها هستید؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد.

الف) ضرورت حفظ حرکت‌های انقلابی از افراط و تفریط

مبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست، اقتضای انقلابی‌گری، این‌ها نیست.

ب) ویژگی‌های عناصر انقلابی

انقلابی باید بصیر باشد؛ باید بینا باشد؛ باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسئله این جور ساده نیست که یکی را رد و یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است.

ج) اتهام افراطی‌گری به عناصر انقلابی

البته این را هم به همه توصیه کنیم که

نیروه‌های انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم این جور دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.

● ۶. ضرورت «مدیریت تحول» در حوزه

خوب، این‌ها مسائل مربوط به تحول بود. حالا من از شما سؤال کنیم؛ آیا این تحول پیچیده گسترده دامن، همه جانبه و ذواصلاح، بدون یک مدیریت منسجم امکان‌پذیر است؟ این همان چیزی است که ما چندین سال قبل از این در همین حوزه علمیه با کسانی که بعضی امروز جزو مراجع معظم هستند و آن روز در جامعه مدرسین بودند. بعضی از دنیا رفته‌اند - که رحمت و رضوان خدا بر آن‌ها باد - مطرح کردیم و پذیرفتند. مدیریت و تدبیر حوزه به وسیله یک گروه متمرکزی که مورد تأیید مراجع و بزرگان باشند و در مسائل حوزه صاحب نظر باشند. یک چیز لازمی است، اجتناب ناپذیر نیست. دو نکته دیگر را هم عرض بکنم و عرایضم را تمام کنم. جلسه ما خیلی طول کشید. عذرخواهی می‌کنم از شما برادران و خواهرانی که در بیرون هستند، در صحن یا در شبستان‌های مسجد اعظم نشسته‌اند.

الف) ضرورت توجه به جایگاه «فلسفه» و «کلام» در حوزه

یک مسئله، مسئله درس فلسفه و رشته فلسفه است. توجه کنید؛ اهمیت فقه و عظمت فقه نباید ما را غافل کند از اهمیت درس فلسفه و رشته فلسفه و علم فلسفه؛ هر کدام از این‌ها مسئولیتی دارند. رشته فقه مسئولیت‌هایی دارد، فلسفه هم مسئولیت‌های بزرگی بر دوش دارد. پرچم فلسفه اسلامی دست حوزه‌های علمیه بوده است و باید باشد و بماند. اگر شما این پرچم را زمین بگذارید، دیگرانی که احیاناً صلاحیت لازم را ندارند، این پرچم را برمی‌دارند؛ تدریس فلسفه و دانش فلسفه می‌افتد دست کسانی که شاید صلاحیت‌های لازم را برایش نداشته باشند. امروز اگر نظام و جامعه ما از فلسفه محروم بماند، در مقابل این شبهات گوناگون، این فلسفه‌های وارداتی مختلف، لخت و بی دفاع خواهد ماند. آن چیزی که می‌تواند جواب شماها را بدهد، غالباً فقه نیست؛ علوم عقلی فلسفه و کلام است. این‌ها لازم است. در حوزه، این‌ها رشته‌های مهمی است. رشته مهم دیگر، تفسیر است؛ اُنس با قرآن، معرفت قرآنی.

ما نباید از تفسیر محروم بمانیم. درس تفسیر مهم است، درس فلسفه مهم است؛ این‌ها رشته‌های بسیار با ارزشی است.

ب) اهمیت و ارزش طلاب خواهر

نکته آخر، در مورد خواهران طلبه است؛ خیلی پدیده عظیم و مبارکی است. هزاران عالم، پژوهش‌گر، فقیه و فیلسوف در حوزه‌های علمیه خواهران تربیت شوند؛ این چه حرکت عظیمی خواهد بود. ببینید نگاه دنیای مادی نسبت به پدیده زن و جنس زن چه نگاه بدی است، چه نگاه تحقیر آمیزی است. چه نگاه منحرفانه‌ای است. حضور دانشمندان اسلامی زن در عرصه‌های مختلف - مثل حضور دانشمندان فرزانه و فهمیده دانشگاهی زن که متدین و متشرع هستند - اثرات بسیار عظیمی را در دنیا می‌گذارد؛ برای انقلاب آبروست. بانوان باید خوب درس بخوانند. البته هدف نهایی درس خواندن بانوان، تنها مجتهدشدن یا فیلسوف شدن نیست - ممکن است عده‌ای علاقه‌اش را داشته باشند. استعداد و وقتش را داشته باشند، عده‌ای هم نه - آشنایی با معارف اسلامی و قرآنی است که می‌تواند برای خود آن‌ها و برای دیگران مورد استفاده قرار بگیرد.